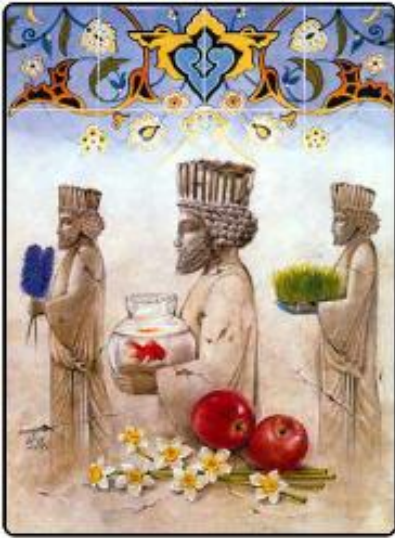


**سه شنبه 11 آبان 24 ذي القعدة 2 نوامبر**

کشته شدن حسين بن منصور حلاج در سال 309 هجري قمری



کشته شدن حسين بن منصور حلاج در سال 309 هجري قمری  
 ابومغيث حسين بن منصور، معروف به "حلاج" در بيضاي فارس، واقع در هشت فرسنگي شيراز، دیده به جهان گشود و در واسط، شهري ميان بصره و کوفه، رشد يافت.  
 وي، از همراهان مشايخ صوفيه، همانند جنيد بغدادی، ابوالحسن نوري، عمر مكي و ابوبکر فوطي بود و خود وي، پيشواي بسياري از صوفي مسلمانان را بر عهده گرفت و در ميان عامه مردم و حتي در دربار خلافت عباسيان نفوذ زيادي نمود.  
 ولي به خاطر برخي پندارها، گفتارها و ادعاهاي غير قابل باور، باعث اختلاف و دوگانگي در ميان مردم گرديد و بزرگان صوفيه در رد و قبول او دو دسته شدند. تعدادي از آنان، وي را رد و عقايدش را باطل اعلام کردند و از اين که وي، از گروه صوفيان باشد، اکراه نمودند. اما عده اي ديگر، مانند ابوالعباس بن عطاء، محمد خفيف و ابراهيم بن محمد نصرآبادي، وي را تأييد نمودند و تهمت هاي ديگران درباره وي را صحيح ندانسته و او را از محققان و از علماي ديني و رباني معرفي کردند.  
 به هر روي، هنگامی که شایعات درباره وي فزوني يافت و حساسيت ويژه اي در جامعه مسلمانان پديد آورد، مأموران حکومتي دستگيرش کرده و در نزد "حامد بن عباس" وزير "مقتدر عباسي" حاضر نمودند و در نزد برخي از قضات و روحانيون معروف و سرشناس، از وي بازجويي به عمل آوردند. پس از گفت و شنودهائي در آن مجلس، علما و قضات آن عصر، از جمله "قاضي ابوعمرو" فتوا به حليت خونش داده و وي را مهدور الدم اعلام کردند.  
 آن گاه، وي را به زندان افکنده و منتظر فرمان مقتدر عباسي ماندند.  
 مقتدر، در پاسخشان گفت: اگر علما، فتوا به ريختن خونش دادند، وي را به جلاذ بسپاريد، تا هزار تازيانه بر او بزند و اگر هلاک نشد، هزار تازيانه ديگر بزند و سپس او را گردن زنند.  
 حامد بن عباس، وي را به محمد بن عبدالصمد، رئيس شهرباني وقت سپرد تا در تاريخي شب، در کنار رود دجله و در داخل محوطه شهرباني، وي را هزار تازيانه زدند و سپس دست ها و پاهايش را قطع و آن گاه، سرش را از بدن جدا نمودند و تن بي جانش را در آتش سوزانيدند و خاکسترش را در دجله ريخته و سرش را پس از مدتي آويختن بر روي پل بغداد، به خراسان [مرکز اصلي پيروان حلاج] فرستادند، تا درس عبرتي براي پيروانش باشد.

درگذشت مظفرالدين شاه قاجار در سال 1324 هجري قمری  
 مظفرالدين شاه قاجار در سال 1324 هجري قمری از دنيا رفت. او پسرچهارم ناصرالدين شاه بود و در 5 سالگي به وليعهدي انتخاب شد. او مدت 40 سال حاکم آذربايجان بود و بعد از مرگ ناصرالدين شاه به سلطنت رسيد. مظفرالدين ميرزا مردی ساده لوح، ضعيف النفس و از سياست کاملاً بي اطلاع بود. در دوران حکومتش ظلم و جور بر سراسر ايران حاکم بود و بسياري از منابع حياتي کشور در مقابل دريافت وام از بيگانگان به آنان واگذار شد. او در چند سفری که به اروپا کرد قرضههاي بسياري به جاي گذاشت و براي تأمين مخارج اين سفرها دوبار از روسها تقاضاي وام کرد و در مقابل عوايد گمرک و شيلات شمال را به آنان واگذار کرد. در مقابل اخذ وام از انگلستان نيز عوايد گمرک جنوب را در اختيار آنان گذاشت. بدین ترتيب کشور به فقر و فلاکت دچار شد. مهمترين اقدام اين شاه قاجار در دوران حکومتش امضاي فرمان مشروطيت بود که تحت فشار آزاديخواهان انجام گرفت. او در آخرين روزهاي حياتش يعني در 14 ذيقعدة سال 1324 هجري قمری 51 اصل از قانون اساسي را که مجلس تهيه و تنظيم کرده بود امضا کرد و چند روز بعد در تهران از دنيا رفت.

انتشار اعلاميه تاريخي بالفور در سال 1917 ميلادي  
 اعلاميه تاريخي بالفور در سال 1917 ميلادي منتشر شد. انتشار اين اعلاميه 30 سال بعد سبب تشكيل اولين دولت صهيونيستي در فلسطين اشغالي شد. بالفور در آن زمان وزير امور خارجه انگلستان بود و فلسطين با نظارت دولت استعماري انگليس اداره مي شد. اعلاميه بالفور حاكي از اين بود که دولت انگلستان با تشكيل دولت يهودي در فلسطين موافق است و همه کوشش خود را براي تأسيس چنين دولتي بکار خواهد برد. سرانجام 30 سال بعد از صدور اين اعلاميه استعماري که حقوق کليه فلسطينيهاي مسلمان آزاده را نادیده

گرفته بود دولتي صهيونيستي در فلسطین روی کار آمد و از آن زمان تاکنون مبارزات حق طلبانه در این سرزمین اشغالی برای رهایی همچنان ادامه دارد.

خروج نیروهای هلندی از خاک اندونزی در سال 1949 میلادی  
استقلال طلبان اندونزی و نیروهای هلندی در سال 1949 میلادی موافقت نامه معروف به موافقت نامه نیروهای هلندی که از اوت سال 1945 میلادی با قیام آزادیخواهان دکتر احمد سوکارنو و محمد حتی رهبران استقلال اندونزی روبرو شده بودند بناچار خاک این سرزمین را ترک کردند. گفتنی است که جنگ استقلال مردم اندونزی چهار سال بطول انجامید و سرانجام به موجب این موافقت نامه جنگ پایان پذیرفت تا هنگام خاتمه این جنگ این سرزمین هند هلند خوانده می شد و پس از پیروزی استقلال طلبان این کشور به نام اندونزی خوانده شد. اندونزی بطور رسمی در دسامبر سال 1949 میلادی مستقل شد.

استقلال کشور الجزایر در سال 1961 میلادی  
کشور الجزایر در سال 1961 میلادی از فرانسه مستقل شد. این کشور از سال 1830 میلادی مورد هجوم قوای فرانسه قرار گرفت که همزمان با این تهاجمات مقاومت های وسیع و پیگیر انقلابیون الجزایری نیز بر ضد استعمار آغاز شد. در سال 1882 میلادی الجزایر بخشی از فرانسه اعلام شد و متعاقب آن جنبش استقلال طلبانه مردم الجزایر به رهبری امیر عبدالقادر و روحانی مبارز الجزایری شدت بیشتری یافت بطوریکه تشنجات ناشی از آن به اعلام خودمختاری و سپس استقلال و برقراری حکومت جمهوری در این کشور منتهی شد.